



آیا پراکنده خوانی در کنکور هنر خطرناک تر از کم خوانی است؟

یکی از اشتباه هایی که خیلی از داوطلبان کنکور هنر در ماه های پایانی مرتکب میشوند، این است که فکر میکنند هر چه بیشتر بخوانند، حتما نتیجه بهتری میگیرند. اما واقعیت این است که همیشه حجم زیاد مطالعه به معنای پیشرفت نیست. گاهی داوطلب ساعت های زیادی درس میخواند، منابع مختلف را باز میکند، از این جزوه به آن کتاب میرود، از یک درسنامه به چندین تست پراکنده میرسد، اما در نهایت نه چیزی در ذهنش تثبیت میشود و نه در آزمون نتیجه مطلوبی میگیرد.



در چنین وضعیتی، مشکل اصلی کم خوانی نیست، بلکه پراکنده خوانی است. و در بسیاری از موارد، پراکنده خوانی حتی از کم خوانی هم خطرناک تر است. چون کم خوانی حداقل تکلیفش روشن است؛ داوطلب میداند که کم کار کرده است. اما پراکنده خوانی یک خطای پنهان و فریبنده است. فرد احساس میکند خیلی فعال بوده، در حالی که بخش زیادی از انرژی او صرف جابه جایی ذهنی، آشفتگی و شروع های مکرر شده است.

کم خوانی چه آسیبی دارد؟

کم خوانی به طور طبیعی باعث میشود حجم کافی از مطالب پوشش داده نشود. داوطلبی که کم میخواند، معمولا با بخش هایی از بودجه بندی آشنا نیست، تست کافی نزده و در جلسه آزمون با سوالات ناآشنا بیشتری روبه رو میشود. این مسئله واضح است و قابل تشخیص.

اما با همه این ها، کم خوانی یک ویژگی دارد: شفاف است. یعنی داوطلب میفهمد که مشکل از کم بودن زمان یا حجم مطالعه بوده است. بنابراین اگر تصمیم بگیرد برنامه خود را اصلاح کند، مسیر جبران برایش روشن تر است.

پراکنده خوانی چرا خطرناک تر است؟

پراکنده خوانی خطرناک تر است چون ظاهر آن شبیه درس خواندن واقعی است. داوطلب ممکن است از صبح تا شب درگیر کتاب و جزوه باشد، اما چون تمرکز او روی یک مسیر مشخص نیست، خروجی لازم را نمیگیرد. ذهن او مدام بین منابع، موضوعات، روش ها و حتی نگرانی های مختلف در رفت و آمد است.

پراکنده خوانی چند آسیب جدی ایجاد میکند:

- تمرکز را از بین میبرد



- باعث میشود مطالب در حافظه تثبیت نشوند
 - زمان زیادی را صرف شروع های دوباره میکند
 - اعتماد داوطلب را به برنامه اش کم میکند
 - احساس کاذب تلاش ایجاد میکند بدون اینکه نتیجه واقعی داشته باشد
- به همین دلیل، داوطلبی که کم ولی منظم و متمرکز میخواند، در خیلی از مواقع از داوطلبی که زیاد اما پراکنده میخواند جلوتر میافتد.

نشانه های پراکنده خوانی چیست؟

خیلی از داوطلبان خودشان متوجه پراکنده خوانی نیستند. چون تصور میکنند تنوع منبع یا تغییر مداوم برنامه یعنی تلاش بیشتر. در حالی که چند نشانه واضح میتواند این وضعیت را مشخص کند:

- برای یک مبحث چند منبع مختلف را همزمان میخوانید
- هیچ منبعی را کامل جمع نمیکنید و مدام بین کتاب ها جابه جا میشوید
- بعد از هر آزمون تصمیم میگیرید کل برنامه را عوض کنید
- زمان زیادی را صرف انتخاب منبع، تنظیم دوباره برنامه یا مقایسه خود با دیگران میکنید
- حس میکنید زیاد خوانده اید، اما هنگام تست زدن مطالب در ذهنتان منسجم نیست

این نشانه ها میگویند که مسئله شما کم کاری نیست، بلکه نداشتن تمرکز در مسیر مطالعه است.



چرا در کنکور هنر پراکنده خوانی آسیب بیشتری میزند؟

در کنکور هنر، حجم مطالب زیاد است و تنوع مباحث هم بالاست. داوطلب باید بین تاریخ هنر، درک عمومی، خلاقیت تصویری، خلاقیت نمایشی، درک ریاضی و فیزیک و بخش های دیگر تعادل ایجاد کند. اگر در چنین شرایطی مطالعه پراکنده شود، ذهن دیگر نمیتواند بین مطالب ارتباط بسازد.

از طرف دیگر، کنکور هنر بیشتر از آنکه به دانستن پراکنده پاداش بدهد، به تسلط روی مباحث پرتکرار و پرکاربرد امتیاز میدهد. یعنی کسی نتیجه بهتر میگیرد که روی بخش های مهم بارها مرور کرده، نه کسی که فقط تعداد زیادی مبحث را یک بار و سطحی دیده است.

به همین دلیل، در کنکور هنر عمق داشتن روی مباحث مهم، ارزش بیشتری از پوشش ناقص همه چیز دارد.

پراکنده خوانی چه اثری روی روحیه داوطلب میگذارد؟

یکی از بدترین اثرات پراکنده خوانی این است که داوطلب را فرسوده میکند. چون فرد واقعا وقت و انرژی گذاشته، اما نتیجه متناسبی نمیبیند. همین فاصله بین تلاش و نتیجه، ذهن را مضطرب و بی اعتماد میکند. بعد کم کم این فکر شکل میگیرد که شاید من استعداد ندارم، شاید خیلی عقبم، شاید هیچ چیز در ذهنم نمیماند.

در حالی که مشکل اصلی اغلب نه ضعف توانایی، بلکه نبودن یک مسیر متمرکز است. داوطلبی که برنامه ساده، مشخص و محدود دارد، آرامش بیشتری هم دارد. چون میداند دقیقا چه چیزی را باید بخواند، از چه منبعی بخواند و چطور آن را مرور کند.



راه حل چیست؟

راه حل، کم کردن آشفتگی و برگرداندن مطالعه به یک مسیر محدود و استاندارد است. داوطلب باید بپذیرد که در ماه های مهم، قرار نیست همه چیز را بخواند؛ قرار است مهم ترین چیزها را خوب بخواند.

برای همین، چند اصل باید رعایت شود:

- منابع محدود و مشخص باشند
 - برای هر درس یک مسیر ثابت وجود داشته باشد
 - بعد از مطالعه، حتما تست آموزشی و تحلیل انجام شود
 - از تغییر مداوم برنامه جلوگیری شود
 - مرورهای منظم جایگزین شروع های دوباره شود
- هر چه مسیر مطالعه ساده تر و شفاف تر شود، بازدهی ذهن بالاتر میرود.

کدام خطرناک تر است؟

اگر بخواهیم صریح و دقیق جواب بدهیم، در بیشتر مواقع پراکنده خوانی از کم خوانی خطرناک تر است. چون کم خوانی یک ضعف کمی است، اما پراکنده خوانی یک ضعف ساختاری است. در کم خوانی، داوطلب فقط کمتر از حد لازم کار کرده است. اما در پراکنده خوانی، هم زمان از دست رفته، هم تمرکز از بین رفته، هم یادگیری ناقص مانده و هم ذهن خسته شده است.



یعنی پراکنده خوانی فقط حجم مطالعه را خراب نمیکند، بلکه کیفیت یادگیری، اعتماد ذهنی و ثبات عملکرد را هم تخریب میکند. به همین علت، اصلاح پراکنده خوانی باید برای هر داوطلبی در اولویت باشد.

جمع بندی

در کنکور هنر، همیشه بیشتر خواندن به معنای بهتر خواندن نیست. گاهی داوطلب کم میخواند اما چون متمرکز، هدفمند و منظم پیش میرود، نتیجه بهتری میگیرد. در مقابل، داوطلبی که مدام بین منابع، مباحث و برنامه های مختلف در رفت و آمد است، با وجود صرف زمان زیاد، بازدهی پایینی خواهد داشت.

پراکنده خوانی از کم خوانی خطرناک تر است، چون یک آشفتگی پنهان ایجاد میکند و به داوطلب این توهم را میدهد که در حال پیشرفت است، در حالی که یادگیری او عمق ندارد. راه درست این است که مطالعه محدود، دقیق، تکرارشونده و مبتنی بر منابع استاندارد باشد. در نهایت، آنچه در کنکور هنر نتیجه میسازد، نه حجم ظاهری تلاش، بلکه تمرکز واقعی بر مسیر درست است.